

چهار تاقی میل میله‌گه؛ آتشکده‌های از دوره ساسانی

یوسف مرادی

عضو هیات علمی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور

از ص ۱۵۵ تا ۱۸۳

چکیده:

چهار تاقی نویافته میل میله‌گه یکی از آتشکده‌های دوره ساسانی است که همانند بسیاری از آتشکده‌های آن زمان با مصالح لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده است. این چهار تاقی که هسته اصلی باقیمانده از بنای بزرگتری است، متشکل از چهار جرز سنگی در ابعاد مختلف می‌باشد که پیرامون آن راهرو طوافی احاطه کرده است. در داخل این آتشکده، سکویی جهت قرار گرفتن آتشدان (آدوشت) و تعدادی پایه گچی و سنگی قرار دارد که در نوع خود منحصر به فرد است. بررسی این عناصر، مطالعه معماری مذهبی دوره ساسانی به ویژه آتشکده‌های ایرانی را وارد دیدگاه جدیدی می‌کند. مطالعه این آتشکده و آتشکده شیان به دلیل دارا بودن ارزش‌های معماری و عناصر به کار رفته در داخل آن می‌تواند به بسیاری از ابهامات و خلأهای موجود درباره معماری مذهبی دوره ساسانی به ویژه مراسم نیایش آتش پاسخ دهد. در متون پهلوی اشارات مکرری به آتش مقدس شده که این امر می‌تواند نقش مهم عبادتگاه‌های زرتشتی را در معماری ساسانی نشان دهد. اما متأسفانه آگاهی‌های ما از آتشکده‌های ساسانی به ویژه چهار تاقی‌ها، بیشتر از نظر سبک معماری بوده و در مورد اهمیت و جایگاه این بناها، مرتبه آتش آنها، تولیت و انتساب روحانیون، نحوه درآمد و هزینه‌های این عبادتگاه‌ها کمتر بحث شده است. در این مقاله، نگارنده بر آن است ضمن معرفی چهار تاقی نویافته میل میله‌گه، نکاتی نیز درباره موارد فوق ارائه نماید.

واژه‌های کلیدی: میل میله‌گه، چهار تاقی، آتشکده، آتش، ساسانی، گاهنگاری، کاربری.

مقدمه:

در روستای سیاه‌سیاه میله‌گه باباخان، پشته‌ای وجود دارد که اهالی روستا معتقدند در این پشته خاکی، امامزاده‌ای دفن است و نسب آن به امام رضا (ع) می‌رسد. لذا در سال‌های دهه پنجاه شمسی به منظور شناسایی محل دفن و بازسازی آرامگاه، اقدام به خاکبرداری این پشته می‌نمایند که در نتیجه فعالیت آنها، چهار تاقی مورد بحث و عناصر وابسته به آن آشکار می‌گردد. پس از نمایان شدن این چهار تاقی نه تنها اهالی روستای سیاه‌سیاه میله‌گه بلکه مردم منطقه نیز به زیارت این مکان آمده و ضمن قربانی حیوانات، نذوراتی نیز به آن اهدا می‌کنند.

چند دهه پس از این واقعه، در سال ۱۳۷۷ شمسی، نیروی حفاظت میراث فرهنگی شهرستان اسلام آباد غرب، کارشناسان حفظ و احیاء میراث فرهنگی کرمانشاه را از وجود چنین بنایی در روستای سیاه‌سیاه‌میله‌گه باباخان آگاه می‌نمایند. لذا آنها در اولین فرصت ممکن پس از آگاهی از وجود چنین بنایی به محل عزیمت و به منظور ثبت آن در فهرست آثار ملی نقشه‌هایی شامل پلان و نمایی از بنا ترسیم می‌کنند. متأسفانه از آن زمان تا هنگام بررسی‌های نگارنده نه تنها این اثر در فهرست آثار ملی به ثبت نرسیده بلکه اثری از نقشه‌های ترسیمی آنها نیز برجای نمانده است.

در سال ۱۳۸۵ آقای علیاری کارشناس باستان‌شناس میراث فرهنگی اسلام‌آباد غرب مجدداً با ارائه چند قطعه عکس، نگارنده را از وجود چنین بنایی آگاه کردند. لذا پس از هماهنگی‌های لازم بی‌درنگ برای بازدید و بررسی مقدماتی این بنا راهی محل شده و پس از تهیه اسناد و مدارک این اثر را در فهرست آثار ملی به ثبت رسانید. مقاله حاضر در حقیقت، گزارشی از آن بازدید و بررسی مقدماتی چهارتاقی مورد بحث توسط نگارنده است.

موقعیت جغرافیایی:

چهارتاقی معروف به میل‌میله‌گه در روستای سیاه‌سیاه‌میله‌گه باباخان از توابع دهستان حومه جنوبی بخش مرکزی شهرستان اسلام‌آباد غرب، در طول جغرافیایی "۲۸° ۳۳' ۴۶" و عرض "۰۲° ۵۷' ۳۳" واقع شده است. (نقشه ۱) این چهارتاقی به فاصله ۱۰۰ متری شرق روستای مذکور و بر فراز پشته‌ای کم ارتفاع از سنگ‌های ماسه‌ای، مشرف به زمین‌های کشاورزی پست اطراف ساخته شده است. ارتفاع این پشته از سطح زمین‌های کشاورزی، ۴ متر و از سطح آب‌های آزاد حدود ۱۷۴۵ متر است. (تصویر ۱) در جبهه شرقی این پشته و چهارتاقی، جویباری جریان دارد که از چشمه تنگ میل‌گه سرچشمه می‌گیرد. منطقه‌ای که چهارتاقی مورد بحث در آن واقع شده، دره نسبتاً عمیقی است که با جهت شمال شرق به جنوب غرب در میان سلسله جبال ستر و به هم پیوسته زاگرس قرار گرفته است. (نقشه ۲) راه دسترسی به این دره از طریق جاده شنی در مسیر جاده اسلام آباد غرب به گیلان غرب و نرسیده به بخش، است. گاوور که با ورود به این جاده و پس از عبور از روستای انجیرک، رضی، کسان و طرازک وارد منطقه میل‌گه شده و در این منطقه پس از عبور از روستاهای میل‌گه نامدار و میل‌گه سیف‌اله به روستای سیاه‌سیاه-میل‌گه باباخان، یعنی محل قرار گرفتن چهارتاقی می‌رسد.

چشم انداز کلی این منطقه متشکل از تپه ماهورهای به هم پیوسته‌ای است که در جهات مختلف به کوه‌های بلندتر می‌پیوندند. به استثنای حوالی روستای کسان تقریباً هیچ زمین مسطحی بین این تپه ماهورها دیده نمی‌شود لذا طبیعت منطقه به گونه‌ای است که امکان کشت، تنها به صورت دیم فراهم است و محصولات کشاورزی آن، بیشتر گندم، جو و نخود است.

در شمال این دره، رشته کوه مرتفعی با قلل تیز و کشیده و با دره‌های نسبتاً عمیق قرار دارد که در هر روستا با نام محلی آن شناخته می‌شود. به طوریکه در سمت چپ تنگ میل‌گه، واقع در روستای سیاه‌سیاه‌میله‌گه باباخان، به نام «خوره‌تاب» و در سمت راست تنگه به نام «میل‌گه» معروف است. حداکثر ارتفاع این کوه‌ها نسبت به سطح آبهای آزاد ۲۰۷۶ متر است. در جنوب دره و به موازات ارتفاعات شمالی، (میل‌گه و خوره‌تاب) کوه‌های ستر ملینجه قرار دارد که برخلاف ارتفاعات شمالی که دارای گذرگاه‌هایی به داخل دره می‌باشد، در ارتفاعات ملینجه

تقریباً هیچ معبری وجود ندارد. این رشته کوه حداکثر ۲۱۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد ارتفاع دارد. منطقه مورد بحث به ویژه ارتفاعات مذکور، دارای پوشش جنگلی به هم فشرده‌ای است که بیشتر درخت‌های آن از خانواده بلوط می‌باشند و در میان آن به تعداد کمتری درخت زالزالک، ارژن، آلبالوی وحشی، انجیر کوهی، بادام و کیکم وجود دارد. این گونه پوشش جنگلی به همراه کوه‌ها، جاذبه‌های بصری محیط را بالا برده است. علیرغم بارندگی‌های فراوان برف و باران و زمستان‌های سخت، این دره از نظر منابع آب، بسیار فقیر است. به طوریکه منابع آب آن، چشمه‌های کم آبی است که در کوهپایه‌ها می‌جوشند. آب‌های حاصل از این چشمه‌ها و همچنین آبراه‌هایی که از ارتفاعات سرازیر می‌شوند، رودهای فصلی را به وجود آورده‌اند که تنها در فصول بارندگی، آب در آن جاری است. یکی از این رودها در دامنه ارتفاعات ملینجه و در طول دره جریان دارد. رود دیگری به نام «طرازک» در میانه‌های دره از سراب کسان سرچشمه گرفته و در عرض دره به سمت روستای بازکله جاری است. بستر این رود بریدگی ژرفی است که گاهی تا ۱۰ متر عمق دارد. متأسفانه کم آب بودن این رودها از یکسو و بالا بودن سطح زمین‌های اطراف و تپه ماهور بودن اراضی از سوی دیگر موجب شده که از آب این رودها به هنگام پرآبی استفاده بهینه نشود. در پیرامون این دو رود چندین زیستگاه انسانی در گذشته شکل گرفته که دارای آثاری از آغاز ادبیات تا دوره ساسانی است.

مشخصات بنا:

چهار تاقی معروف به میل میله گه بر روی پشته کم ارتفاعی از سنگ‌های ماسه‌ای قرار دارد که اضلاع آن در جهات اربعه و با ۱۵ صدم درجه انحراف نسبت به شمال ساخته شده است. (تصویر ۲) این چهار تاقی همانند سایر چهارتاقی‌های هم عصر خود از چهار پایه مکعب مستطیل جدا از هم تشکیل شده است. اگر چه از سقف بنا هیچ اثری باقی نمانده اما می‌توان بر مبنای چهارتاقی‌های مشابه چنین تصور کرد که در زمان خود تاق‌هایی از دو سو، پایه‌ها را به یکدیگر مرتبط کرده و گنبدی مدور، اجزاء این مجموعه را به هم پیوند می‌داده است و این رایج ترین راه حل برای پوشاندن این نوع بناها می‌باشد که اغلب با لاشه سنگ ساخته شده‌اند (تصویر ۳). در محل تلاقی اضلاع داخلی این پایه‌ها، گوشه‌هایی به طول و عرض متوسط ۷۰ سانتی متر ایجاد شده که در سطوح بالاتر، در داخل آنها گوشواره پایه گنبد قرار می‌گرفته است. پایه شمال شرقی به طول ۲/۳۵ و عرض ۱/۹۲ سانتی متر است که از ارتفاع آن در بلندترین نقطه، ۱/۶۰ متر باقیمانده است (تصویر ۴). همچنین پایه شمال غربی، به طول ۲/۳۵ و عرض ۲/۱۰ سانتی متر است که ارتفاع آن هم سطح با پایه شمال شرقی می‌باشد (تصویر ۵). پایه جنوب شرقی به طول ۲/۱۰ و عرض ۲/۱۰ متر است که از ارتفاع آن، ۱/۳۵ متر باقیمانده (تصویر ۶) و پایه جنوب غربی به طول ۲/۱۰ و عرض ۲/۹ متر است که از ارتفاع آن، ۱/۱۵ متر باقیمانده است (تصویر ۷). فاصله پایه‌های شمالی از یکدیگر ۳/۷۸ متر و پایه‌های جنوبی ۳/۷۸ متر است. همچنین فاصله پایه‌های شمالی از پایه‌های جنوبی ۳/۷۰ متر می‌باشد. پایه‌ها یا جرزهای این چهار تاقی از نظر ابعاد و اندازه برابر نیستند (نقشه ۳ تا ۵). این ناهمگونی صرف نظر از اندازه‌گیری مانی ناشی از اشتباهات معمار و نوع مصالح ساختمانی نیز می‌باشد که در اکثر چهار

۱- اندازه‌های ارائه شده متکی بر مشاهدات مقدماتی است و مسلم آنکه فقط با کاوش‌های میدانی در محل می‌توان به اندازه‌های واقعی دست یافت. البته با توجه به شواهد و مدارک بر جای مانده به نظر می‌رسد تفاوت اندازه‌های ارائه شده توسط ما با اندازه‌های واقعی بنا کمتر از چند سانتی متر باشد.

تاقی‌های سنگی از جمله چهارتاق چن ژیه ایلام (VandenBerghe, 1977, pp.182-184, fig.5) و آتشکده شیان^۱ (رضوانی، ۱۳۸۴، ص ۵۰) فراشبند و نقاره‌خانه فراشبند (VandenBerghe, 1961, pp.184-185, plan.IV/5-6) و حتی چهار تاق خشتی ترنگ تپه (Boucharlat et Lecomte, 1987, pp.51-75) تکرار شده است.

هر یک از این پایه‌ها با استفاده از مصالح لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده‌اند. روش احداث آنها به این صورت بوده؛ لاشه سنگ‌هایی که یک سطح آنها تقریباً هموار می‌باشد در کنار هم و در نمای بیرونی دیوار چیده و سپس حداثات آنها را با توده سنگ‌های کوچکتر و ملات گچ به مقدار زیاد پر کرده‌اند. بر خلاف برخی از چهارتاقی‌ها که لاشه سنگ کار گذاشته نشده بلکه روی هم ریخته شده^۲، در این چهارتاقی هنگامی که نخستین رج چیده می‌شد جداره بیرونی دیوار را برای ایجاد سطحی نسبتاً هموار اندود کرده و سپس دومین رج را به همان روش بر روی آن ساخته‌اند. این شیوه تا آخرین رج ادامه یافته است. باید توجه داشت ترکیب ساختاری این پایه‌ها شبیه بسیاری از چهارتاقی‌های سنگی دوره ساسانی است.

پس از ساخت جرزها یا پایه‌ها، سطوح روی آنها را با لایه ضخیمی از ملات گچ اندود کرده که ضخامت آن بین ۵ تا ۱۰ سانتی متر متغیر است. سطح این اندود، ناهموار می‌باشد و به نظر می‌رسد در یکدست نمودن آن تلاش ناچیزی به عمل آمده است. به طور کلی از نظر معماری و تکنیک ساخت، پایه‌ها نسبت به عناصر به کار رفته در داخل بنا از دقت و ظرافت کمتری برخوردارند.

در حداثات فاصل پایه‌ها، ورودی‌هایی در چهارجهت اصلی قرار دارد که همانند بسیاری از چهارتاقی‌های دوره ساسانی به راهرو طواف پشت جرزها مرتبط می‌شوند (نقشه ۶). اگر چه راهرو طواف به وضوح قابل رؤیت نیست اما شواهد نشان می‌دهد چهار تاقی مورد بحث دارای راهرو طواف بوده؛ از جمله این شواهد اینکه به فاصله تقریباً ۱/۷۰ متری از پایه‌ها در میان توده‌های خاکی و قلوه سنگ‌های پیرامون بنا، بخش‌هایی از دیوار سنگی دیده می‌شود که به طور قطع پیرامون چهار تاقی را احاطه کرده است. مدرک دیگر اینکه در فضای بیرونی حداثات فاصل جرزهای شمالی چهار تاقی، تعدادی پایه گچی وجود دارد که با توجه به جنس آنها می‌بایستی در محیطی مسقف قرار می‌گرفتند تا نزولات جوی و زمستان‌های سخت منطقه موجب تخریب آنها نشود.

بنابراین چهارتاقی مورد بحث، هسته اصلی باقیمانده از بنای بزرگتری است که ملحقات آن در زیر خاک بوده و با انجام کاوش‌های باستان‌شناختی وضعیت آنها مشخص خواهد شد.

فضای مرکزی این چهارتاقی، بدون در نظر گرفتن فضای بین جرزها، دارای پلان مربعی به ابعاد ۵/۱۰×۵/۱۵ متر است. کف این فضا و راهروهای پیرامون آن، با قلوه سنگ‌های نسبتاً ریز و ملات گچ کف سازی شده؛ به این ترتیب که برای ایجاد سطحی صاف و هموار، در کف بنا قلوه سنگ‌ها را در ملات گچ غوطه ور کرده و سپس روی آن را با لایه نسبتاً ضخیمی از ملات گچ اندود کرده‌اند. این اندود به طور مکرر

۱- این آتشکده در ۳ کیلومتری روستای قلعه شیان از توابع دهستان شیان، بخش حمیل شهرستان اسلام‌آباد غرب واقع شده که در سال ۱۳۸۴ توسط هیاتی از پژوهشکده باستان‌شناسی به سرپرستی حسن رضوانی با هدف نجات بخشی آثار تاریخی محدوده سده مخزنی شیان مورد کاوش قرار گرفت. آتشکده مورد بحث به ابعاد ۱۴/۵×۱۴/۵ متر متشکل از یک چهارتاقی بارهرو طوافی به عرض ۱/۷۰ متر در پیرامون آن است که در ضلع شمالی آن اتاقی به ابعاد ۳/۷۵×۱۴/۵ قرار دارد. در داخل فضای چهار تاقی، سکویی به ابعاد ۳/۱۵×۳/۱۵ متر، تعدادی پایه گچی با تزئینات فاشقی و صندوقچه‌های گچی وجود دارد (تصویر ۹). به عقیده کاوشگر این آتشکده طی چهار مرحله ساخته شده که مرحله اول تا سوم متعلق به دوره ساسانی و مرحله چهارم مربوط به اوایل دوره اسلامی است (رضوانی، ۱۳۸۴، صص ۳۷-۳۶؛ همو، ۱۳۸۵، ص ۵).
 ۲- از جمله چهارتاقی‌هایی که به این روش ساخته شده‌اند چهارتاقی خالخالو گیلان غرب است. نگارنده این فرصت را یافت تا طی یک روز از این چهار تاقی بازدید کند.

مرمت و بازسازی شده است. در داخل این فضا عناصری وجود دارد که اجرای برخی از مناسک مذهبی را در آن آشکار می‌سازد. شواهد و گواه بیشتر در این زمینه با حضور پایه‌های گچی به اثبات می‌رسد که در ادامه به شرح ویژگی هر یک از این عناصر خواهیم پرداخت.

در کف فضای مرکزی، سکوئی به ابعاد تقریبی $3/17 \times 3/43$ متر و ارتفاع ۱۰ سانتی متر وجود دارد. (تصویر ۸) این سکو نیز با مصالح لاشه سنگ و ملات گچ ساخته شده است. متأسفانه قسمت مرکزی این سکو توسط افراد ناآگاه به منظور شناسایی قبر امامزاده تخریب شده است.

به نظر می‌رسد این سکو همانند سکوی آتشکده شیان (نقشه ۷ تصویر ۱۰) و آتشکده چن‌زیه ایلام (VandenBerghe, 1977, fig.5) و آتشکده ترنگ‌تپه (Boucharlat et Lecomte, 1987, figure.11) محلی برای قرار گرفتن آتشدان بوده (نقشه ۸ و ۹) و شاید با اغماض بتوان گفت همانند آتشکده شیان بر روی این سکو عناصری وجود داشته که اهمیت مذهبی داشته‌اند که متأسفانه به علت دخل و تصرف‌های بیش از حد، اثری از آنها بر جای نمانده است.

در حد فاصل جزه‌های شمالی و همچنین داخل راهرو طواف شمالی، سکو T شکلی عمود بر سکو مربع مرکزی و با همان ساختار معماری ساخته شده است. (نقشه ۶) قسمت شرقی - غربی این سکو T شکل به طول ۲/۲۷ متر و عرض ۷۰ سانتی متر بوده که اکنون از طول آن ۱/۲۸ متر و از عرض آن ۶۱ سانتی متر قابل رؤیت است. همچنین قسمت شمالی - جنوبی آن به طول ۲/۲۶ و عرض ۱/۱۵ متر است. متأسفانه این سکو تخریب شده و تنها در برخی از قسمت‌ها ارتفاع ناچیزی از آن باقیمانده است.

در داخل سکوی مورد بحث تعدادی پایه گچی جاسازی شده که متأسفانه کنجکاو اهالی روستا آنان را به جستجو و تفحص در کف بنا واداشته و از این رو عناصر به کار رفته در این چهار تاقی را از بین برده به طوریکه امروز با دقت خیلی زیاد می‌توان آثار و نشانه‌هایی از این عناصر به دست آورد. (تصویر ۱۱)

براساس شواهد و مدارک برجای مانده در قسمت شرقی - غربی این سکو، دو پایه گچی به فاصله ۱۸ سانتی متر از یکدیگر قرار دارد. هر یک از این پایه‌ها به شکل هرم ناقصی است که سطح هر ضلع آن با شیارهای قاشقی تزئین شده است. طول هر یک از این پایه‌ها ۵۷ و عرض آنها ۴۶ سانتی متر است. اگر چه از ارتفاع واقعی این دو پایه اطلاع دقیقی نداریم اما بر مبنای پایه‌های گچی مشابهی که اکنون در کف چهار تاقی پراکنده‌اند می‌توان پذیرفت این دو پایه نیز هم اندازه با پایه‌های داخل چهار تاقی بوده‌اند. با توجه به امتداد حاشیه سکو گچی می‌توان حدس زد همانند آتشکده شیان، پایه دیگری در کنار این دو پایه وجود داشته و یا دارد. متأسفانه بخش اعظمی از قسمت شمالی و جنوبی سکوی T شکل از بین رفته اما براساس وضع موجود و مقایسه آن با آتشکده شیان می‌توان به تصویر نسبتاً روشنی از این بخش از سکو دست یافت. در بخش شمالی این سکو و در مجاورت دو پایه مذکور، پایه‌ای جاسازی شده که طول آن ۶۱ و عرض آن، ۵۰ سانتی متر است. از ارتفاع این پایه، ۲۰ سانتی متر قابل رؤیت است. این پایه با قلوه سنگ و ملات گچ ساخته شده و سطح آن با لایه ضخیمی از گچ، اندود شده است (تصویر ۱۲). علاوه بر این پایه همانند آتشکده شیان (تصویر ۱۳) پایه‌های دیگری وجود داشته که متأسفانه به علت کنجکاو اهالی روستا آنها را جابه‌جا کرده‌اند به طوریکه بر روی پایه مذکور، سه قطعه نسبتاً سالم پایه گچی با تزئینات شیاری و قطعات شکسته شده دیگری وجود دارد که به نظر می‌رسد محل قرارگیری این پایه‌ها در قسمت شمالی - جنوبی سکوی T شکل بوده است. هر یک از این قطعات همانند پایه‌های قسمت شرقی - غربی به شکل

هرم ناقصی هستند که سطوح آنها با شیارهای قاشقی تزئین شده است. یکی از این پایه‌ها به عرض ۴۰ سانتی متر می‌باشد که از طول آن ۲۳ سانتی متر باقیمانده است. (تصویر ۱۴، طرح او ۲)

بر مبنای تزئینات سطح پایه می‌توان حدس زد که بخش تحتانی این پایه به ابعاد 40×46 سانتی متر بوده که از ارتفاع آن ۳۲ سانتی متر باقیمانده است. رأس این هرم ناقص به عرض ۲۷ سانتی متر می‌باشد که از طول آن ۱۴ سانتی متر باقیمانده اما مدارک نشان می‌دهد قسمت رأس به ابعاد 27×28 سانتی متر بوده است. در مرکز این پایه، سوراخی به قطر متوسط ۱۰ تا ۱۱ سانتی متر وجود دارد که تا قسمت قاعده پایه امتداد دارد (تصویر ۱۴، طرح او ۲). در این بخش از پایه در طرفین سوراخ، دو حفره مثلث شکل به عمق ۴ سانتی متر ایجاد شده است. سطوح صاف مقطع داخلی این پایه گچی همانند سایر پایه‌ها نشان می‌دهد که هر یک از آنها به صورت دو لپه‌ای ساخته شده و احتمالاً در لپه دیگر، زائده‌ای وجود داشته که در داخل این حفره چفت و بست می‌شده است.

دومین پایه نیز از نظر فرم و اندازه، شبیه پایه قبلی است (تصویر ۱۵، طرح او ۳). تنها تفاوت این بخش از پایه با پایه قبلی در این است که در لبه سوراخ قسمت فوقانی این پایه، شیار به ابعاد $3 \times 3/5$ و عمق ۱ سانتی متر وجود دارد که احتمالاً محل اتصال عناصر این پایه بوده است. تفاوت دیگر اینکه در قسمت داخلی پایه، حفره‌های مثلث شکل وجود ندارد.

با توجه به اینکه در شکل واقعی این پایه‌ها تردیدهایی وجود دارد لذا تا کنون کارکرد واقعی آنها مشخص نشده است. برخی با توجه به پیدا شدن آنها در گوشه‌های چهارتاقی قلعه کهزاد کارکرد آنها را پایه ستون دانسته‌اند که ستون چهارگوشی از سنگ و گچ بر روی آنها قرار می‌گرفته و تا پایه تاق‌های جانبی ادامه داشته است (معمدی، ۱۳۷۱، صص ۱۳-۱۱). برخی نیز کارکرد آنها را پایه آتشدان می‌دانند (رضوانی، ۱۳۸۴، صص ۲۹ و ۴۶). بر اساس بحث‌های پیشین اگر چه می‌توان در مورد دوم به بحث نشست اما هیچ دلیلی برای پذیرفتن نظر اول نداریم.

هرچند شکل واقعی این پایه‌ها برای ما مشخص نیست اما می‌توان سه حالت را برای آنها فرض کرد. در حالت اول بر روی این بخش از پایه‌ها به طور مستقیم پایه دیگری به صورت معکوس وجود داشته که احتمالاً در بالای آن، ظرف فلزی جهت نگهداری آتش مقدس قرار می‌گرفته است. اگر این پیشنهاد، صحیح باشد می‌توان کارکرد آنها را همانند پایه گچی مکشوفه از آتشدان بندیان (رهبر، ۱۳۷۸، صص ۳۲۰-۳۱۹، تصویر ۷) و پایه گچی که اخیراً از تپه B قبرستان شرقی روستای کاکا در شهر گنبد کاووس به دست آمده (مرتضایی، ۱۳۸۴، ص ۱۸۸، تصویر ۴) پایه آتشدان (آدوشت) دانست. البته همچنان با این پرسش مواجهیم که چرا پایه‌های میل‌میل‌ه‌گه همانند سایر آتشدان‌های سنگی و گچی به صورت یکپارچه ساخته نشده‌اند. حالت دوم اینکه احتمالاً در داخل سوراخ مرکزی این پایه، میله‌ای عمودی نصب می‌شده که در بالای آن ظرف و یا صفحه‌ای قرار می‌گرفته است و حالت سوم اینکه ممکن است در داخل سوراخ این پایه‌ها پرچم و یا وسیله‌ای مشابه آن قرار داشته؛ در صورت پذیرفتن دو حالت فوق، این پرسش مطرح می‌شود: اتصال میله با پایه گچی به چه صورت بوده و اصولاً چه ضرورتی داشته که سوراخ مرکزی را تا قسمت پایین ادامه داده‌اند؟

از آنجائی که هنوز فرصت تعیین صحت و سقم این فرضیه‌ها دست نداده و با این امید که در آینده به انجام رسد بایستی با احتیاط کامل با این فرضیات روبه‌رو شد.

علی‌رغم توصیف و تفسیرهای فوق، تشخیص کارکرد صحیح این پایه‌ها به آسانی میسر نیست اما به نظر

می‌رسد ارتباط معینی با تفکرات مذهبی دارند.

درست در روبه‌روی پایه‌های گچی داخل سکوی T شکل، در داخل راهرو طواف شمالی، سکوی شیب‌داری به طول ۶۰ و عرض ۵۰ سانتی‌متر وجود دارد که ارتفاع واقعی آن مشخص نیست (تصویر ۱۰). یکی دیگر از عناصر موجود در چهارتاقی مورد بحث، صندوقچه گچی است که در کنار پایه شمال شرقی قرار دارد (تصویر ۱۶، نقشه ۴). این صندوقچه به طول ۱/۴۰ متر و عرض ۲۷ سانتی‌متر می‌باشد که از عمق آن، ۱۰ سانتی‌متر قابل تشخیص است. دیواره این صندوقچه به عرض ۷/۵ سانتی‌متر می‌باشد که با ملات گچ ساخته شده است. با اندکی شک می‌توان گفت در این صندوقچه ابزار و وسایل مربوط به مراسم نایش نگهداری می‌شده است. با توجه به اینکه نمونه‌های مشابه آن در آتشکده شیان به دست آمده، می‌توان حدس زد که نمونه قرینه آن در کنار پایه شمال غربی چهار تاقی میل میله‌گه نیز وجود دارد که با کاوش‌های آتی، وضعیت آن مشخص خواهد شد.

از دیگر عناصری که در این چهار تاقی دیده می‌شود تعداد چهار پایه سنگی از جنس سنگ‌های آهکی است که متأسفانه دو تای آنها شکسته شده اما بخش‌های باقیمانده آنها نشان می‌دهد این پایه‌ها از نظر شکل و ابعاد شبیه هم بوده‌اند. (تصویر ۱۷) لذا به منظور اجتناب از اطاله کلام تنها به معرفی یکی از آنها که نسبت به بقیه سالم‌تر است خواهیم پرداخت (تصویر ۱۸، طرح ۴). محل قرارگیری این پایه، ورودی حد فاصل جرزهای شمالی چهار تاقی است. این پایه، مرکب از دو بلوک تخت است که بلوک زیرین به طول و عرض ۵۲ سانتی‌متر و ارتفاع ۱۷ سانتی‌متر می‌باشد. بلوک بالایی نیز به طول و عرض ۴۹ سانتی‌متر و ارتفاع ۸ سانتی‌متر است که بر روی آن شالی مدوری به قطر ۴۹ و ارتفاع ۹ سانتی‌متر قرار دارد. سطح این شالی با نوار برجسته‌ای تزئین شده است. بر روی شالی مذکور، استوانه‌ای به قطر ۴۵ و ارتفاع ۲۲ سانتی‌متر وجود دارد. در وسط این استوانه دو نوار باریک و برجسته به عرض ۷ میلی‌متر نقش شده که حد فاصل آنها با نوار پهن‌تری به عرض ۱/۵ سانتی‌متر تزئین شده است. همچنین مرحله انتقالی استوانه به قسمت فوقانی نیز با دو نوار برجسته تزئین شده است. بر روی این استوانه همانند قسمت زیرین آن، شالی به قطر ۴۹ و ارتفاع ۱۰ سانتی‌متر قرار دارد که از دو بخش کوژ و کاو تشکیل شده است. این دو بخش، با نوار باریک برجسته‌ای از یکدیگر جدا شده‌اند. بر روی این شالی، شالی مدوری به قطر ۳۸/۵ و ضخامت ۲/۵ سانتی‌متر وجود دارد که در مرکز آن، حفره مربع شکلی به ابعاد ۴/۵×۴/۵ سانتی‌متر و عمق ۲/۵ سانتی‌متر دیده می‌شود. نمونه‌های زیادی از این پایه‌های سنگی در محوطه‌های دوره ساسانی شناسایی شده است. به عنوان مثال، یک نمونه آن از محوطه آتشکده شیان توسط هیأت کاوش‌های باستان‌شناسی در میان خاکهای دپو شده حاصل فعالیت‌های سدسازی به دست آمده است (رضوانی، ۱۳۸۴، تصاویر ۱۷۱-۱۷۰، طرح CXX). همچنین سه نمونه دیگر در اداره میراث فرهنگی اسلام آباد نگهداری می‌شود که از تپه قلعه شیان^۱ شناسایی و به این مکان منتقل شده‌اند. نمونه دیگر در پارک موزه تاق بستان نگهداری می‌شود. همچنین در برخی از محوطه‌های ساسانی استان فارس تعداد دیگری از این پایه‌ها شناسایی شده است.

از آنجایی که هیچ یک از این پایه‌ها در جای خود قرار ندارند لذا در مورد کاربرد واقعی آنها نیز

۱- این تپه با ارتفاعی بیش از ۲۰ متر، بزرگترین تپه دشت شیان محسوب می‌شود که در داخل روستای شیان و به فاصله ۳ کیلومتری آتشکده شیان واقع شده است. سفالینه‌های سطح این تپه نشان می‌دهد تپه مذکور، دست کم از هزاره دوم تا سده‌های میانه اسلامی مسکون بوده است.

تردیدهایی وجود دارد. به نظر می‌رسد این پایه‌ها یکی از سه کارکرد زیر را داشته‌اند؛ پایه ستون، پایه آتشدان و یا اینکه در اصل پایه ستون بوده ولی بعدها از آن به عنوان پایه آتشدان استفاده کرده‌اند. صرف نظر از اینکه این پایه‌ها در اصل مربوط به خود بنا بوده و یا اینکه از محوطه دیگری به این چهارتاقی منتقل شده‌اند، حضور آنها هم در آتشکده شیان و هم در چهار تاقی میل‌میل‌گه جای بحث فراوان دارد. زیرا اگر در این بنا از آنها به عنوان پایه ستون استفاده کرده باشند، محل قرارگیری آنها مشخص نیست و اصولاً چنین بناهایی نیاز به ستون ندارند و اگر آتشدان بودن آنها را بپذیریم، تعداد زیاد آنها جای بحث دارد. متأسفانه بر ما روشن نیست که از این پایه‌ها در دوره حیات آتشکده‌های میل‌میل‌گه و شیان چگونه استفاده می‌شده؟ اما هر چه که باشد ارتباط آنها با آتشکده‌ها حائز اهمیت است.

سفال:

سفالینه‌های جمع‌آوری شده از سطح محوطه از نوع سفالینه‌های معمولی و به رنگ‌هایی در طیف‌های مختلف نارنجی، نخودی، سبز و خاکستری می‌باشند. رنگ خمیره آنها نیز هم رنگ سطح سفال است. برخی از این قطعات دارای بافت مستحکم و فشرده‌ای هستند که در خمیره آنها ذرات ریز ماسه، شن و کانی به کار رفته ولی برخی دیگر به ویژه ظروف آشپزخانه‌ای و به طور کلی ظروف بزرگ دارای بافت شکننده و متخلخلی می‌باشند که در خمیرمایه آنها علاوه بر ماسه، سنگ ریزه و مواد گیاهی نیز به کار رفته است. بسیاری از این قطعات به وسیله چرخ سفالگری ساخته شده‌اند. به طوریکه اثر چرخش آن در قسمت داخلی و بیرونی بدنه ظرف دیده می‌شود. برخی قطعات نیز به وسیله دست ساخته شده‌اند. هرچند تشخیص پوشش، کار آسانی نیست ولی به نظر می‌رسد بیشتر این قطعات، فاقد هر گونه پوشش باشند. برخی از این سفالینه‌ها خوب ساخته شده‌اند و در ساخت برخی نیز دقت چندانی نشده شکل کلی آنها نامنظم است، به طوری که بدنه برخی از آنها دارای ناهمواری است. از نظر تزئینات، نقوش به کار رفته بر روی این سفال‌ها شامل نقوش کنده، افزوده و برجسته می‌باشند. نقوش کنده، به صورت خطوط مواج افقی و نقوش فشاری است. نقوش افزوده، شامل نقوش طنابی و نقوش برجسته، شامل خطوط برجسته افقی در گروه‌های چند خطی است. متأسفانه به علت اینکه بیشتر قطعات، متعلق به بدنه ظروف می‌باشند. لذا نمی‌توان گونه و شکل واقعی ظروف را تشخیص داد. اما برخی از آنها شامل خمره‌های بزرگ، طغار، کوزه و درپوش می‌باشند. آثار سفالی پراکنده در سطح این محوطه براساس شکل و ویژگی‌های فنی در حوزه فرهنگی غرب ایران قرار می‌گیرد و مشابه سفالینه‌های به دست آمده از لایه‌های ساسانی مجموعه قلعه یزدگرد (Keall, 1981) و آتشکده شیان (رضوانی، ۱۳۸۴) است.

کارکرد پیشنهادی:

همانگونه که امروزه چهار تاقی میل‌میل‌گه به عنوان یک امامزاده مورد تقدس و احترام اهالی منطقه است، در روزگار ساسانیان نیز دارای چنین جایگاهی بوده؛ به بیان دیگر، این آتشکده، همانند بسیاری از آتشکده‌های هم عصر خود از جمله شیان از نوع آتشکده‌های بی‌تکلف محلی و از مراکز عبادی و زیارتی روستاهای منطقه بوده که احتمالاً تولید آن و انتساب روحانی و یا روحانیانش و یا اداره‌کنندگان آتشکده و همچنین اعطای

مقرری برای آنها، بر عهده حاکم منطقه بوده است. در متون تاریخی اشاره شده در دوره ساسانی، اراضی، وقف آتشکده‌ها بوده که از عایدات آنها کمک‌هایی به نیازمندان و مبالغی صرف آتشکده می‌شده است (بیرونی، ۱۳۷۷، ص ۳۵۳؛ دریایی، ۱۳۸۳، ص ۶۲؛ بویس، ۱۳۸۱، ص ۱۵۳). احتمالاً این آتشکده نیز دارای چنین موقوفاتی بوده است.

مطابق با متون کهن دینی، پارسیان سه نوع آتش دارند که بنابر اهمیت و مرتبه عبارتند از آتش بهرام، آدران و دادگاه.

- آتش بهرام (آتش ایالتی) مهمترین و مقدس‌ترین آتش می‌باشد که به آتش پادشاه پیروزگر موسوم است. این آتش، با تشریفات خاصی از شانزده آتش مختلف تهیه و تطهیر می‌شود (گیمن، ۱۳۸۵، صص ۱۲۹-۱۱۶). آتش بهرام، همواره و در هر شرایطی می‌بایستی با شعله‌های درخشان و فروزنده بسوزد. (بویس، ۱۳۸۱، ص ۱۵۶) این آتش در آتشکده‌های بزرگ و طراز اول چون آذرگشنسب، آذر فرنبغ و آذر مهر برزین نیایش می‌شده است.

- آتش آدران (آتش محلی) در مرتبه‌ای پایین‌تر از آتش بهرام قرار دارد که برای نشان دادن آن تنها چهار نوع آتش خانگی کافی است و مراسم تطهیر و تقدیس آن ساده‌تر از آتش بهرام است. این آتش برخلاف آتش بهرام همواره با شعله‌های فروزان، شعله‌ور نیست.

- آتش دادگاه (آتش خانوادگی) تنها از یک آتش به سادگی تهیه، تطهیر و تقدیس می‌شود. اگر چه این آتش را موبدان برپا می‌دارند اما نگهداری آن را هر بهدینی می‌تواند بر عهده بگیرد (بویس، ۱۳۴۸، ص ۱۵۷). هر یک از این آتش‌ها دارای شخصیت جداگانه مخصوص خود است؛ نه می‌توان آنها را با هم ترکیب کرد و نه آنکه می‌توان درجه هر یک را ترقی داد (وهمن، ۱۳۴۸، ص ۱۸۸).

به نظر می‌رسد در آتشکده میل میله‌گه و آتشکده‌هایی از این دست که فاقد واحدهای معماری پیچیده می‌باشند، آتش آدران نیایش می‌شده است. نتیجه مطالعات بر روی عناصر و ساختارهای این آتشکده به ما اجازه می‌دهد بپذیریم بر روی سکوی داخل یزشگاه این آتشکده، احتمالاً آتش در داخل مجمر و یا آتشدانی شعله ور بوده که به وسیله پایه‌ای (آدوست) از زمین جدا می‌شده است. شاید بتوان بر مبنای این پایه‌ها و محل قرارگیری آنها در داخل یزشگاه، به طبقه بندی آتش درون آتشکده‌ها پرداخت. به طوری که در آتشکده میل میله‌گه و اتاق چلیپایی PD تخت سلیمان (نومان وهوف، ۱۳۵۱، ص ۴۱، شکل ۱۶) و ترنگ تپه گرگان (Boucharlat et al, 1999, pp. 68-70; Lecomte, 1987, pp. 51-75; VandenBerghe, 1977, pp. 182-184, fig.5) آتشدان بر روی سکوی مرکزی داخل یزشگاه قرار گرفته است. اما در آتشکده کوه خواجه (موسوی، ۱۳۷۴، ص ۸۴ و 81-84, Mousavi, 1999, pp. 81-84) و اتاق چلیپایی B تخت سلیمان (ناومان، ۱۳۷۴، ص ۵۳، عکس ۲۸) آتشدان در داخل حوضچه‌ای آجری که بر روی کف بنا ساخته شده قرار داشته؛ همچنین در آتشکده مل حرم ترکمنستان (Kaim, 2004, p. 326, fig.4) و اتاق چلیپایی A تخت سلیمان (ناومان، ۱۳۷۴، ص ۵۲، عکس ۲۵، شکل ۲۶)، این عنصر مذهبی در داخل ساختار فرو رفته‌ای قرار می‌گرفته و بالاخره در آتشکده‌های بندیان درگز، آتشدان بر روی کف آتشکده قرار گرفته است (رهبر، ۱۳۷۸، صص ۲۲۰-۲۱۹، تصویر ۷).

بر اساس تعلیمات زرتشت تنها موبد و یا موبدان باصلاحیت اجازه ورود به حریم این آتش را داشته و دارند که نیایش مربوط به آتش را از حفظ تلاوت کنند. بهدینان، موبدان و رده‌های عادی نیایش کنندگان در

داخل راهروهای طواف و در جلو درگاه‌ها تجمع می‌کردند و از دور ناظر بر انجام مراسم و سرودهایی بودند که توسط موبد و یا موبدان با صلاحیت خوانده می‌شد. (بویس، ۱۳۴۸، صص ۱۵۷-۱۵۶) اطلاعات ما دربارهٔ جزئیات اجرای این مراسم آئینی و اشیاء مورد استفاده در آن عمدتاً از مذهب زرتشتی امروزی به دست می‌آید. هرچند امروزه نیایش‌ها و مراسم مذهبی، شکوه و عظمتی را که در زمان ساسانیان دارا بوده از دست داده اما با توجه به اینکه یکی از خصایص دیانت زرتشتی، دقت و محافظه کاری زرتشتیان در به جا آوردن و رعایت مراسم پرستش و آداب مذهبی است لذا به نظر می‌رسد صورت کنونی این مراسم، تفاوت‌های بنیادینی با دوران ساسانی نداشته باشد.

گاهنگاری:

تا مدت‌ها پیش هر چهارتاقی ویرانی را به واسطهٔ پلان و مصالح به کار رفته در آن (لاشه سنگ و ملات گچ) به روزگار ساسانی نسبت می‌دادند اما به نظر می‌رسد طبق شواهد سطحی، و پیش از کاوش این گونه بناها، تحلیلی از گاهنگاری دقیق آنها عملاً ناممکن باشد. زیرا هر چند لاشهٔ سنگ و ملات گچ به کار رفته در این بناها بیش از هر نوع مصالح دیگر مربوط به زمان ساسانیان است لیکن کاربرد آن بدون وقفه تا سده‌های میانهٔ اسلامی هم ادامه یافته و این تکنیک منحصر به دورهٔ ساسانی نبوده است. به بیانی صریحتر بسیاری از چهار تاقی‌هایی که به دورهٔ ساسانی نسبت داده شده ممکن است بناهایی باشد که در سده‌های نخستین اسلامی برای همین منظور ساخته شده‌اند. علیرغم این دشواری‌ها در مورد گاهنگاری چهار تاقی‌های سنگی، بر مبنای اسناد و مدارک موجود و پاره‌ای از قرائن و قیاس‌ها می‌توان در مورد گاهنگاری نسبی آتشکدهٔ میل‌میله-گه به بحث نشست.

این آتشکده اگرچه شبیه بسیاری از آتشکده‌های دورهٔ ساسانی از جمله آتشکده‌های چن ژیه ایلام و آتشکده ترنگ تپه می‌باشد اما به طرز حیرت آوری شبیه به آتشکدهٔ شیان است که برخی از این شباهت‌ها عبارتند از:

- ابعاد و اندازهٔ عناصر معماری هردو آتشکده با اندکی اختلاف شبیه یکدیگرند.
- در صحن مرکزی هر دو آتشکده، سکویی تقریباً هم اندازه جهت قرار گرفتن آتشدان وجود دارد. چنین سکویی در آتشکدهٔ چن ژیه ایلام و ترنگ تپهٔ گرگان نیز وجود دارد.
- در داخل یکی از ورودی‌ها و راهروهای طواف هر دو آتشکده، سکوی T شکلی قرار دارد که در داخل آن، ۶ پایهٔ گچی جاسازی شده است.
- پایه‌های گچی هر دو آتشکده از نظر شکل، ساختار، تزیینات، جنس، ابعاد و تعداد، شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. همانگونه که قبلاً نیز اشاره شد نمونهٔ این پایه‌ها در آتشکدهٔ قلعه کهزاد لرستان نیز شناسایی شده است.
- در هر دو آتشکده، در کنار جرزهای آتشکده و به عبارتی در دو طرف سکوی T شکل، صندوقچه‌های گچی وجود دارد که احتمالاً محل نگهداری ابزار و وسایل مربوط به نیایش هستند.
- از هر دو آتشکده، پایه‌های سنگی شبیه پایهٔ ستون و یا پایهٔ آتشدان شناسایی شده که کاملاً شبیه یکدیگرند.

با توجه به اینکه از محوطهٔ کوچ نشینی پیرامون آتشکدهٔ شیان، تعدادی سگه متعلق به خسرو یکم و

خسرو دوم به دست آمده^۱ (رضوانی، ۱۳۸۴، ص ۷۴، طرح LXX) لذا با تکیه بر مقایسات فوق شاید بتوان چهار تاقی میل میله گه را آتشکده‌ای از سده‌های میانی دوره ساسانی پنداشت که تا واپسین سال‌های آن دوره مورد استفاده قرار گرفته است. این گاهنگاری با اوضاع مذهبی آن زمان که منابع تاریخی نیز به آن اشاره می‌کنند همخوانی دارد. به طوری که طبری می‌گوید: «و [خسرو پرویز] بفرمود تا آتشکده‌ها بسازند و دوازده هزار هیرید به خدمت آن گماشت.» (طبری، ۱۳۷۵، ص ۷۶۶) همچنین گیمن بنا به گفته نویسنده‌ای عرب می‌نویسد: خسرو پرویز ۳۵۲ آتشکده برپا کرد. (گیمن، ۱۳۸۵، ص ۱۳۲) اینکه چنین گزارش‌هایی، واقعیتی تاریخی دارد یا نه، بحث جالبی است زیرا از اهمیت آتش و آتشکده در زمان خسرو دوم حکایت می‌کند. این عبارات و تفاسیر پیش گفته نشان می‌دهد احتمالاً آتشکده میل میله گه دست کم در زمان خسرو دوم مورد استفاده بوده است. هر چند این گاهنگاری جنبه مقلداتی و پیشنهادی دارد اما در حال حاضر امکان نتیجه‌گیری دقیق‌تری وجود ندارد. چه بسا پژوهش‌ها و کاوش‌های باستان‌شناختی که در آینده در این بنا صورت می‌گیرد آن را تأیید و یا تکذیب کند.

در پایان از آقای حسن رضوانی، سرپرست هیأت کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه شیان به خاطر اجازه استفاده از گزارش‌ها و تصاویر منتشر نشده آتشکده شیان و از آقای دکتر مسعود آذرنوش برای باز خوانی دست نوشته‌های این مقاله و پیشنهادهای ارزنده ایشان صمیمانه قدردانی می‌کنم. همچنین از آقای محمد احمدی برای ترسیم نقشه‌ها و آقای مرتضی ادیب زاده برای طراحی پایه‌های گچی بسیار سپاسگزارم.

۱- با توجه به اینکه سکه‌های مکشوفه در بافت اصلی خود پیدا نشده‌اند، بنابراین مدرک محکمی برای تاریخ‌گذاری دقیق آتشکده شیان محسوب نمی‌شوند. اما از آنجائی که سفال‌های محوطه کوچ نشینی شبیه سفالینه‌های به دست آمده از داخل آتشکده می‌باشند، احتمالاً از ساخت و سازهای کوچ نشینی در زمان حیات آتشکده نیز استفاده می‌شده؛ اگر این گاهنگاری صحیح باشد می‌توان پذیرفت که آتشکده شیان، دست کم از زمان خسرو یکم مورد استفاده بوده است.



تصویر ۱- موقعیت مکانی آتشکده میل‌میله‌گه



تصویر ۲- دورنمایی از آتشکده میل‌میله‌گه



تصویر ۳- نمایی از آتشکده میل میله گه



تصویر ۴- پایه ضلع شمال شرقی آتشکده میل میله گه



تصویر ۵- پایه ضلع شمال غربی آتشکده میل میله‌گه



تصویر ۶- پایه ضلع جنوب شرقی آتشکده میل میله‌گه



تصویر ۷- پایه ضلع جنوب غربی آتشکده میل میله گه



تصویر ۸- سکوی مرکزی داخل آتشکده میل میله گه



تصویر ۹- نمایی از آتشکده شیان (رضوانی، ۱۳۸۴، تصویر ۱۱۰)



تصویر ۱۰- سکوی مرکزی آتشکده شیان (رضوانی، ۱۳۸۵)



تصویر ۱۱- پایه‌های گچی و سگوی آتشکده میل میله گه



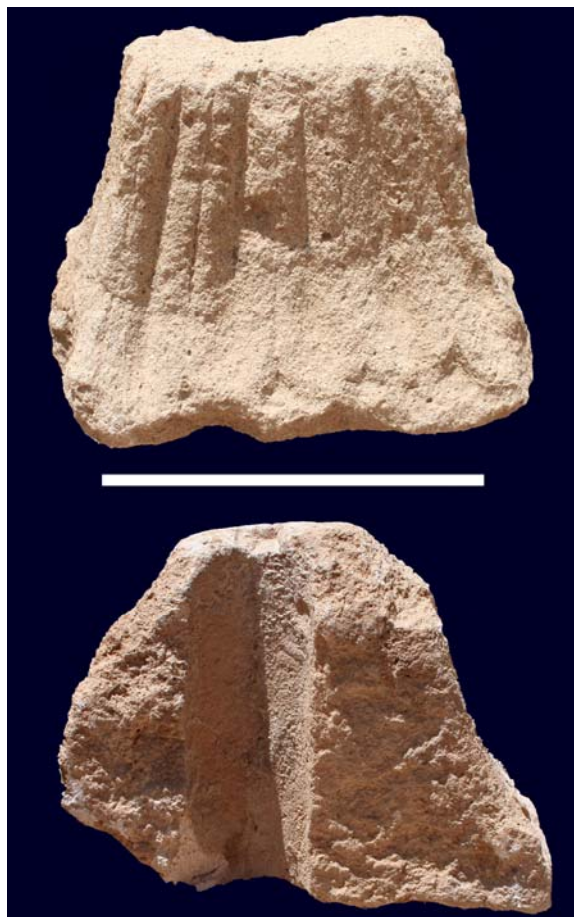
تصویر ۱۲- سگوی گچی داخل آتشکده میل میله گه



تصویر ۱۳- پایه‌های گچی آتشکده شیان (رضوانی، ۱۳۸۴، تصویر ۹۱)



تصویر ۱۴- نما و مقطع پایه گچی شماره ۱ آتشکده میل‌میله‌گه



تصویر ۱۵- نما و مقطع پایه گچی شماره ۲ آتشکده میل میله گه



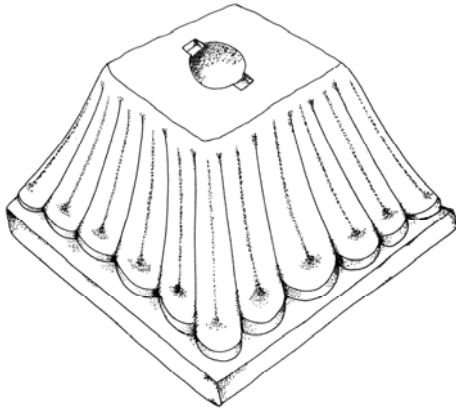
تصویر ۱۶- بخشهای باقیمانده صندوقچه گچی داخل آتشکده میل میله گه



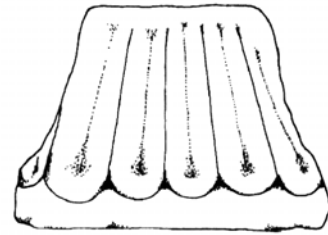
تصویر ۱۷- پایه‌های سنگی داخل آتشکده میل میله‌گه



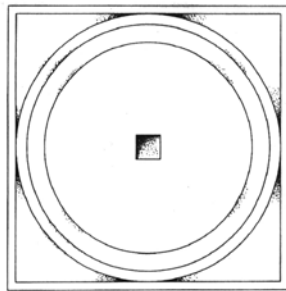
تصویر ۱۸- یکی از پایه‌های سنگی داخل آتشکده میل میله‌گه



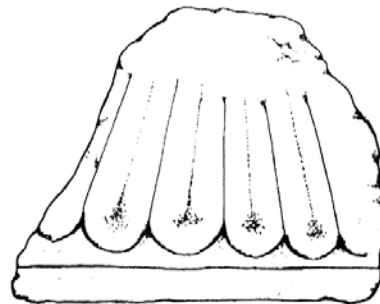
طرح ۲- بازسازی پایه گچی شماره ۱ مکشوفه از آتشکده
میل میله گه



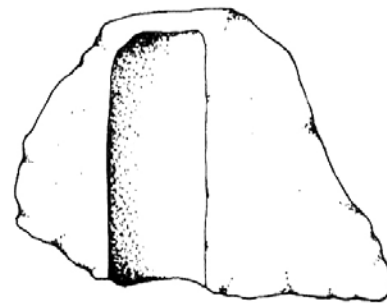
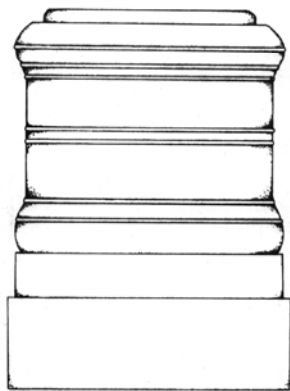
طرح ۱- نما و مقطع پایه گچی شماره ۱ مکشوفه از آتشکده
میل میله گه



طرح ۴- پلان و نمای یکی از پایه‌های سنگی مکشوفه از
آتشکده میل میله گه

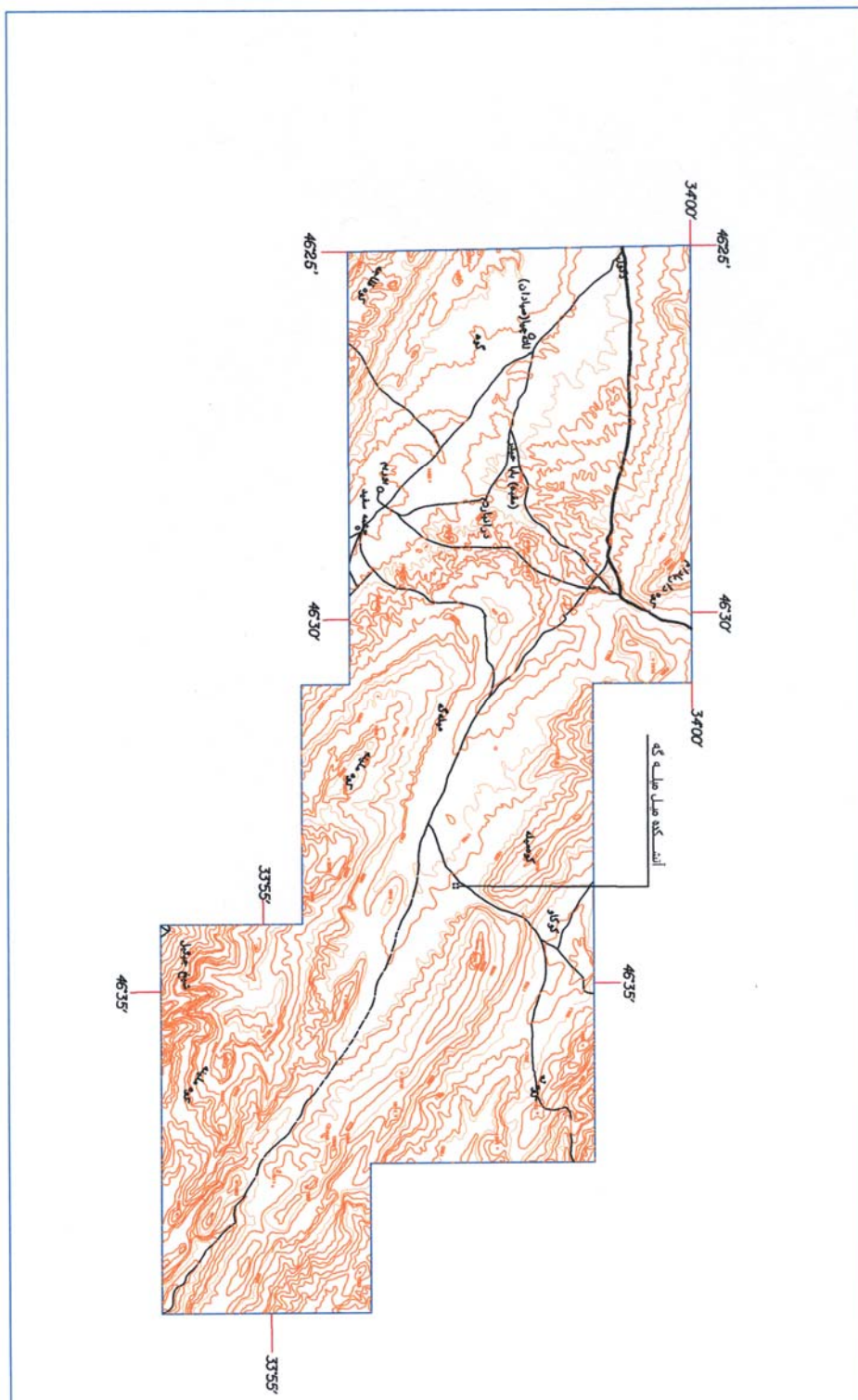


طرح ۳- نما و مقطع پایه گچی شماره ۲ مکشوفه از آتشکده
میل میله گه

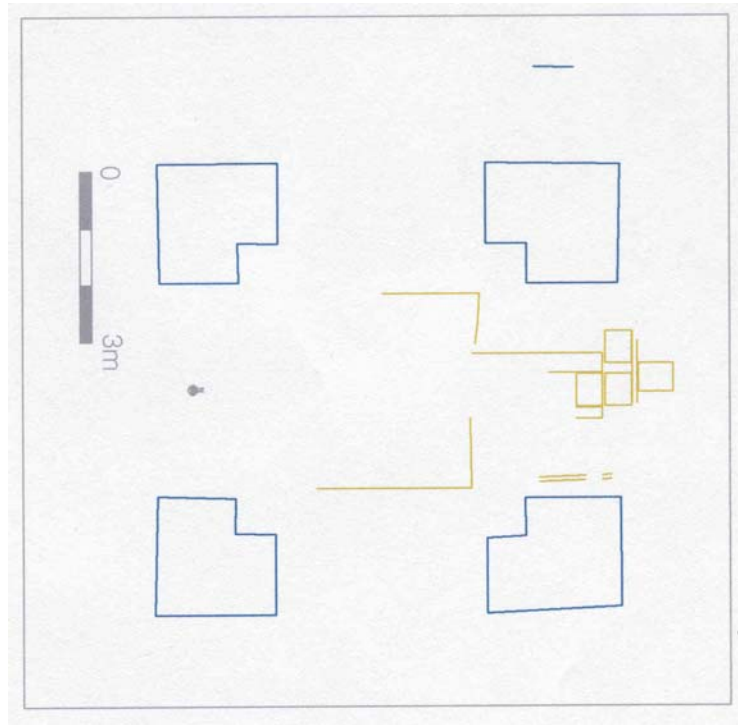




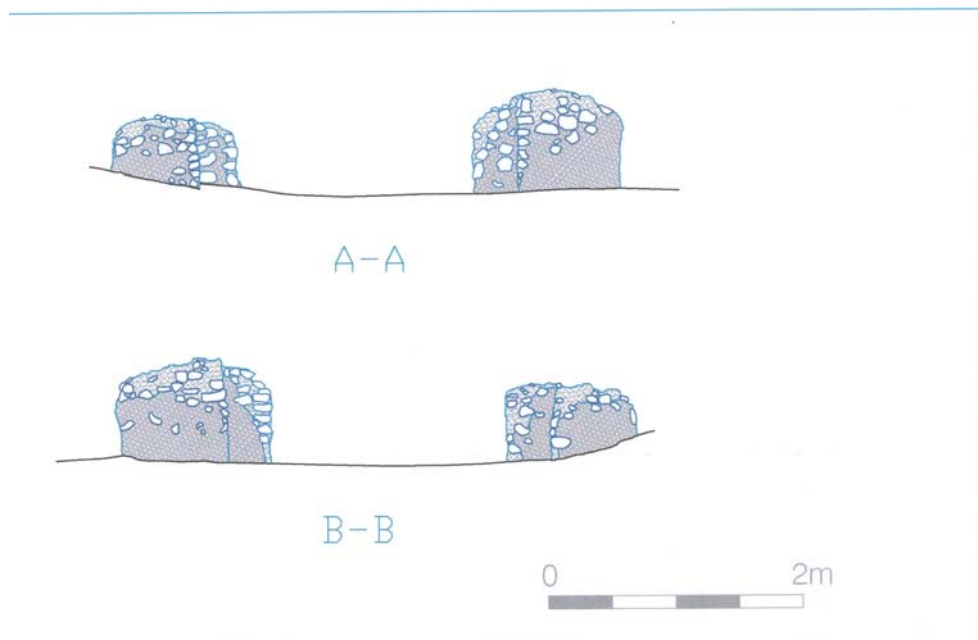
نقشه ۱- موقعیت جغرافیایی استان کرمانشاه و شهرستان اسلام آباد غرب



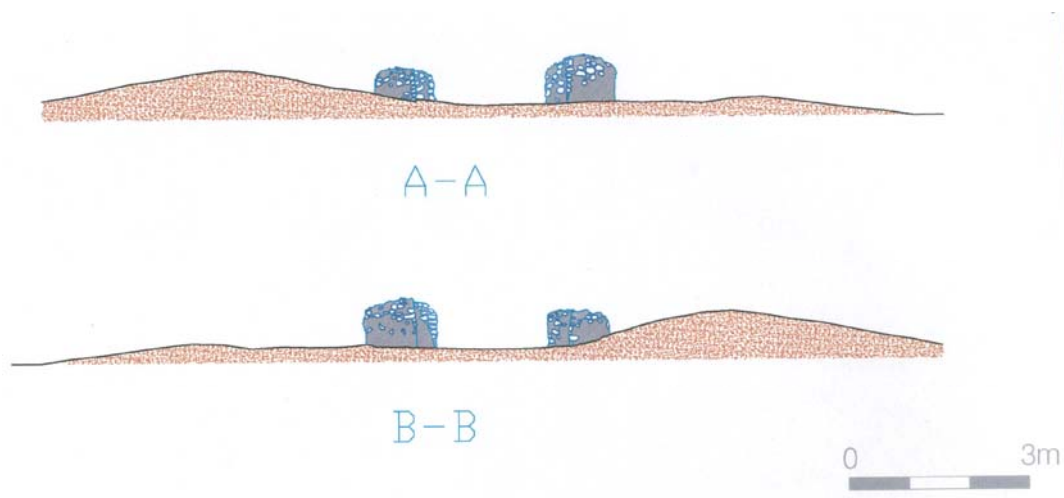
نقشه ۲- موقعیت مکانی آتشکده میل میله گه



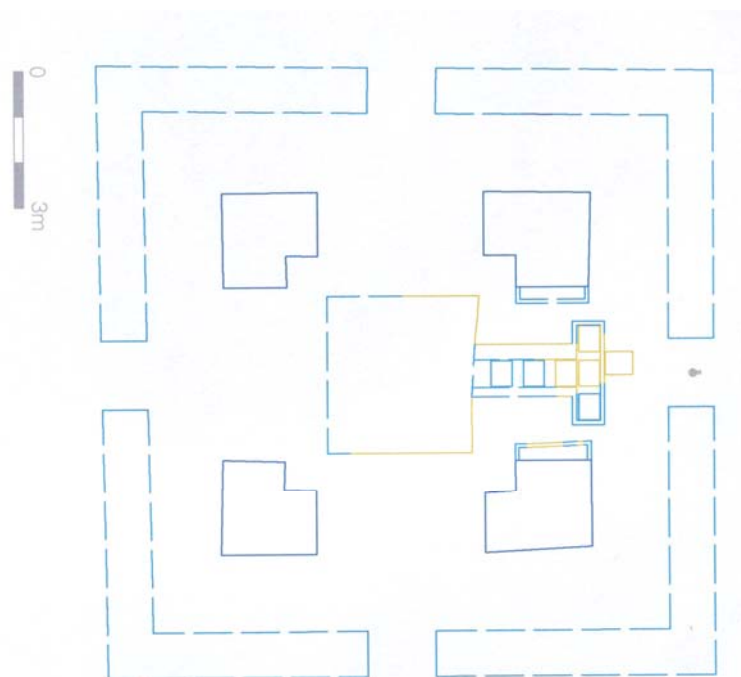
نقشه ۳- پلان وضع موجود آتشکده میل میله‌گه



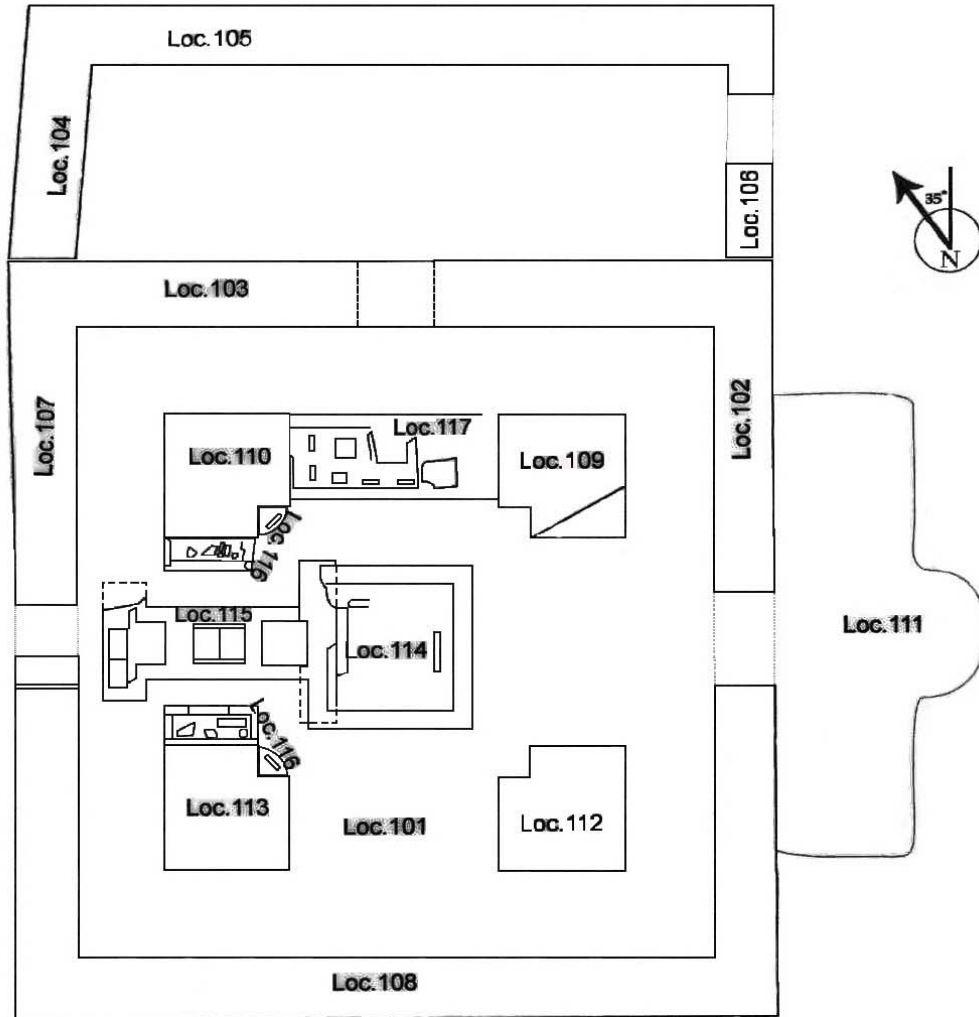
نقشه ۴- نمای وضع موجود آتشکده میل میله‌گه



نقشه ۵- نمای وضع موجود آتشکده میل میله گه

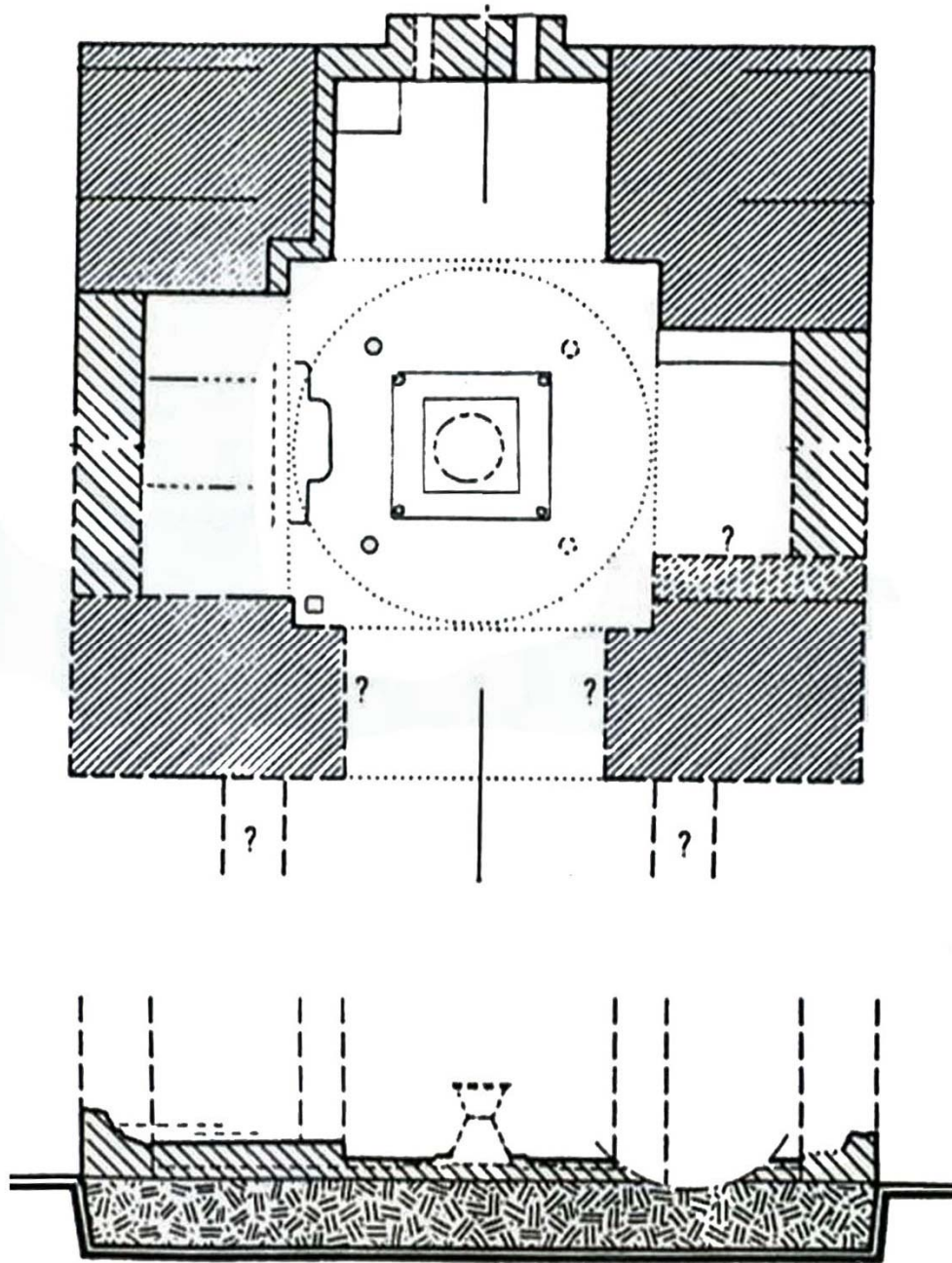


نقشه ۶- پلان بازسازی شده آتشکده میل میله گه

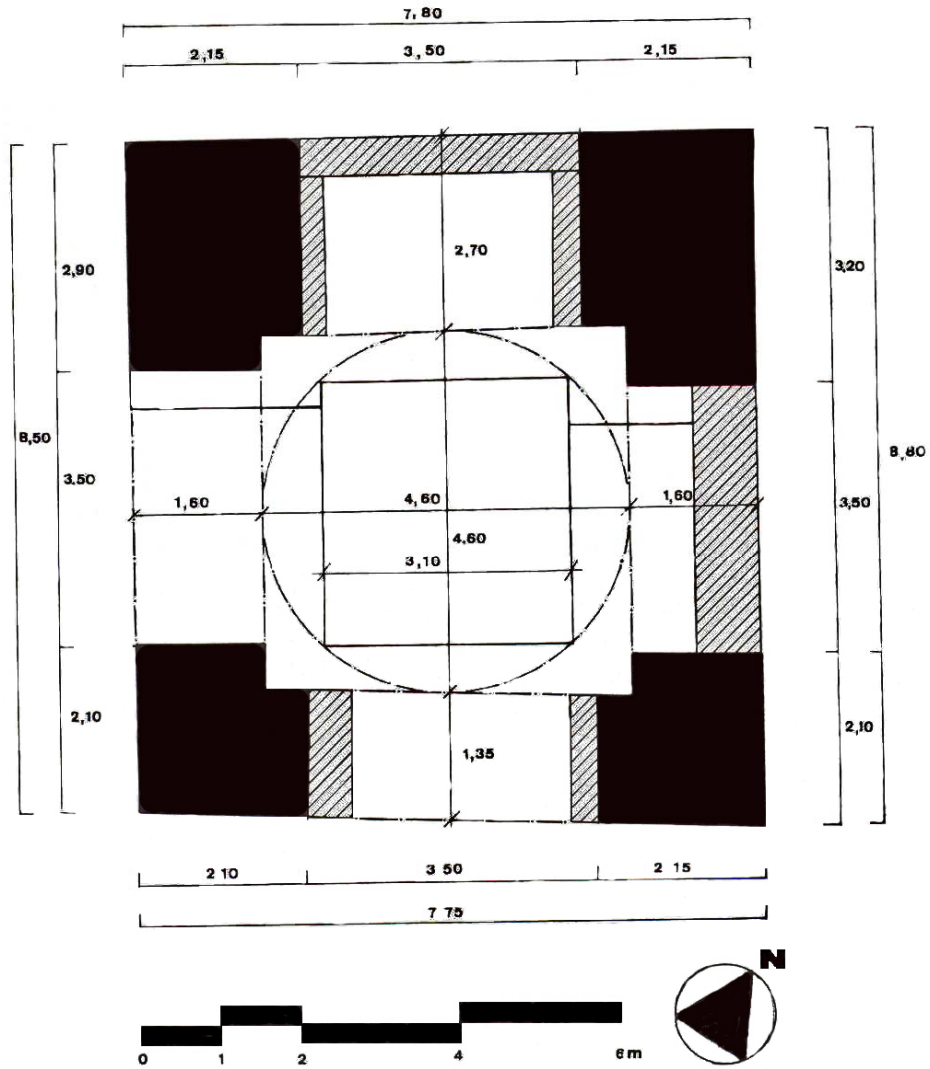


T.T.C-1
Sc. 1:150
Plan
Fire temple

نقشه ۷- پلان آتشکده شیان اسلام آبادغرب (رضوانی، ۱۳۸۴)



نقشه ۸- پلان آتشکده ترنگ تپه گرگان (Boucharlat, 1999, p. 69)



نقشه ۹- پلان آنشکده چن ژبه ایلام (VandenBerghe, 1977, fig.5)

منابع:

- ۱- بویس، مری، دیانت زرتشتی در دوران متأخر، در دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۸۴.
- ۲- _____، زرتشتیان؛ باورها و آداب دینی آنها، ترجمه عسکر بهرامی، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۱.
- ۳- بیرونی، ابوریحان، آثارالباقیه، ترجمه اکبر داناسرشت، انتشارات امیرکبیر، [چاپ سوم ۱۳۶۳] تهران، ۱۳۷۷.
- ۴- طبری، محمدبن جریر، تاریخ الرسل و الملوک، ترجمه ابولقاسم پاینده، ۱۶ جلد، چاپ پنجم، انتشارات اساطیر، [چاپ اول ۱۳۵۲] تهران، ۱۳۷۵.
- ۵- دریایی، تورج، شاهنشاهی ساسانی، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۳.
- ۶- رضوانی، حسن، گزارش مقلّماتی کاوش نجات بخشی سدّ شیان کرمانشاه (شماره دو)، مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۷- _____، گزارش کاوش نجات بخشی محوطه باستانی سدّ شیان کرمانشاه، مرکز اسناد پژوهشکده باستان شناسی، تهران، ۱۳۸۴.
- ۸- _____، آتشکده شیان، (بروشور منتشر شده توسط پایگاه میراث فرهنگی محور ساسانی کرمانشاه - قصرشیرین)، ۱۳۸۵.
- ۹- رهبر، مهدی، معرفی آدریان (نیایشگاه) مکشوفه دوره ساسانی دربندیان درگز و بررسی مشکلات معماری این بنا، در دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، کرمان، ایران، ۲۵ تا ۲۹ فروردین ماه ۱۳۷۸، جلد دوم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۰- گیمن، دوشن، دین ایران باستان، ترجمه رؤیا منجم، انتشارات علم، تهران، ۱۳۸۵.
- ۱۱- مرتضایی، محمد، گزارش مقلّماتی گمانه‌زنی و ساماندهی محوطه تپه قبرستان شرقی روستای کاکا شهرستان گنبد کاووس، در گزارش‌های باستان شناسی (۴)، انتشارات سازمان میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، زمستان ۱۳۸۴.
- ۱۲- معتمدی، نصرت‌اله، مهرابه ویزنهارقلعه کهزاد، میراث فرهنگی، سال سوم، شماره پنجم، بهار ۱۳۷۱.
- ۱۳- موسوی، محمود، یادمان خشتی کوه خواجه زابل و خلاصه‌ای از نتایج مطالعات و کاوشهای انجام شده در آن، در دومین کنگره معماری و شهرسازی ایران، ارگ بم، کرمان، ایران، ۱۷-۱۲ اسفند ماه ۱۳۷۴، ۵ جلد، جلد چهارم، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۴- بار، کای و دیگران، دیانت زرتشتی، ترجمه فریدون وهمن، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، تهران، ۱۳۸۴.
- ۱۵- ناومان، رودلف، ویرانه‌های تخت سلیمان و زندان سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۶- نومن، رودلف و دیتیریش هوف، حفاری‌های تخت سلیمان، ترجمه فرامرز نجد سمیعی، باستان‌شناسی و هنر، شماره نهم و دهم، زمستان ۱۳۵۱.
- 17- Boucharlat, R et al. Foilles de Tureng Tépe, I. les périodes Sassanides et Islamiques, (paris, recherche sur les civilisation, 1987)
- 18- Boucharlat, R. ↔ Temples du feu Sassanides», dossiers d' Archaeologie, 243 (1999), pp.68-70
- 19- Kaim .B. «Ancient Fire Temples in the Light of the discovery at Mele Hairam», Iranica Antiqua, XXXIX (2004), P.323-337
- 20- Keall, E.J and Marguerite J. Keall. « The Qal'eh- I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach», Iran, XIX (1981), pp.33-80
- 21- Vanden Berghe, L. «Récentes découvertes de monuments Sassanides dans le fars», Iranica Antiqua, I (1961), pp.163-199
- 22- Vanden Berghe, L. «Les Chahar tāqs du Pusht – I Kūh, Luristān », Iranica Antiqua, XII (1977), pp. 175-190, planche. I-VI
- 23- Mousavi, M. ↔ Kuh-e Khadjeh: un complexe religieux de l'est Iranien», dossiers d' Archaeologie, 243 (1999), PP.81-84
- 24- Rhbar, M. «Découverte d'un monument d'époque Sassanide á Bandian, Dargaz (Nord Khorassan) Fouilles 1994 et 1995 ,Studia Iranica ,27(1998), P.212-250